

## کاهش جرم؛ چالش های جدید<sup>(۱)</sup>

(سیزدهمین کنگره جهانی جرم شناسی ریودوژانیرو - سال ۲۰۰۳)

ترجمه: توران توسلی زاده\_ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه

تهران

قباد کاظمی\_ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی

ژرژبیکا<sup>(۲)</sup>

۱- ده ماه دیگر کشور برزیل و شهر ریودوژانیرو با محیط طبیعی پر شکوهش میزبان سیزدهمین کنگره جهانی جرم شناسی خواهد بود. جامعه بین المللی جرم شناسی - که بنا به دعوت مقامات برزیلی این کنگره را سازماندهی می کند- می خواهد این کنگره فرصتی برای برگزار جلسات مفید بین کشورهایی باشد که در همه نقاط دنیا برای پیشگیری از جرم و عملیات سیستم عدالت کیفری فعالیت می کنند؛ افراد کار آزموده و اهل فن، قصات، دادستان ها، مددکاران اجتماعی، دانشگاہیان و محققین. به هر حال اگر چه این کنگره قصد دارد که وضعیت جاری علم را بررسی و راهبردهای جدیدی برای اقدام، ترویج نماید، با این وصف برای کسانی طراحی می شود. که در جامعه ی مدنی در جستجوی روش های بهتر ترویج همبستگی اجتماعی جوانان و کاهش جرایم خشونت بار هستند طراحی می شود.

۲- کنگره قبلی در سال ۱۹۹۸ در سئول مرکز کره جنوبی برگزار شد و بیش از هزار و پانصد نفر شرکت کننده از هفتاد ملیت در آن شرکت کردند. این نخستین رویداد در نوع خودش در آسیا بود. ریو دوژانیرو باید شرکت کنندگان بیشتری را جذب نماید. پنج سال سپری شده و جهان، با آثار مهم گسترش جرم آن گونه که در موضوع و دستور کار کنگره گذشته پیش بینی شده (جرم و عدالت در جهان در حالت تغییر)، متحول شده است. جرم چالش های جدیدی را برای جهان امروز مطرح ساخته است؛ جرم سازمان یافته فرا ملی، شبکه های جنایی بهره کشی از روسپی گری و قاچاق کودکان، فساد مالی و تروریسم، جرایم اینترنتی (جرایم سایبری)، خشونت خیابانی و غیره که علت

انتخاب موضوع کنگره ریو است و کاهش جرم و گسترش عدالت؛ چالش‌ها برای علم و سیاست و عمل. ما، هم جرم با اشکال متحول شده‌ی آن را مورد تحلیل قرار خواهیم داد و هم وسایل دستیابی جدید و راهبردهای مناسب برای سیاست جنایی را پیشنهاد خواهیم نمود. سه موضوع بحث باید ارائه‌ی رهنمودهایی را برای اقدام امکان‌پذیرکنند:

در نظر گرفتن واقعیات جوامع امروزی، منطبق نمودن راهبردهای موجود در تحقیقات و سیاست‌های جنایی و اجتماعی با این واقعیات و ایجاد مرکزی به منظور معاضدت بین‌المللی.

۳- جرم در بسیاری از کشورها موضوعی دارای اولویت و مسئله‌ای درخور توجه بوده که با نیاز به ایجاد احساس امنیت در عموم، ترکیب شده است. جرم زمانی یک پدیده اجتماعی تلقی می‌شد ولی در روزگار ما به یک موضوع سیاسی تبدیل شده است. بنابراین در نظر گرفتن این نجد جدید برای پیشگیری و کنترل جرم، هم از نظر ملی و هم از نظر فراملی مهم است. گزینش‌های مربوط به سیاست جنایی در جامعه‌های دموکراتیک که همگی آن‌ها در اغلب موارد میان نیاز به اقدام مؤثر و دغدغه‌های اخلاقی مرددند، فاقد شفافیت‌اند که همین امر اعتماد عموم را به نظام عدالت سسست نموده و از این رو امنیت عمومی را تحلیل می‌برند.

بنابراین بدون غفلت از پژوهش بنیادی درباره‌ی شخصیت مجرمان، باید راهبردهای مؤثرتری برای کنترل و در صورت امکان، پیشگیری از جرم‌های آسیب‌رسان به جامعه یافت.

۴- نقش اساسی پلیس و سیستم عدالت در یک کشور مبتنی بر قانون اساسی مبارزه با ناقانونمندی و حفظ توافق و اجماع ملی، پیرامون شمار مشخصی از ارزش‌هایی است که جامعه بر اساس آن پایه‌ریزی شده و نیز تحکیم همبستگی ملی است. اینها اهدافی است که می‌بایست گزینه‌های سیاست جنایی بر اساس آن‌ها تعیین شود؛ ولی روی هم رفته دیدگاه نسبتاً گسترده‌ای باید در خصوص افزایش جرم و نیز توسعه‌ی جهان اتخاذ شود. برای رسیدن به این منظور نیز چندین شاخص باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند:

یکی از این شاخص‌ها شهرنشینی است که دائماً در حال افزایش بوده و محتمل است ادامه یابد. بر اساس برآوردهای سازمان ملل متحد احتمالاً جمعیت شهری در سال ۲۰۲۵ بالغ بر ۶۵٪ از جمعیت کل جهان خواهد بود. به علاوه فرآیند صنعتی شدن به کشورهای صنعتی محدود نیست. بیش از نیمی از سی شهر در جهان که دارای جمعیتی متجاوز از پنج میلیون نفر هستند، در کشورهای در حال توسعه قرار دارند. آن گونه که جرم‌شناسی طی سال‌ها نشان داده است، در بیشتر کشورها اکثر جرایم در محیط شهری ارتکاب می‌یابد.

علاوه بر این، جا به جایی و جریان مهاجرت، کنترل اجتماعی را مشکل‌تر نموده و در طردشدگی اجتماعی دخیل بوده است. استنباط منطقی باید این باشد که احتمالاً نیاز به امنیت و عدالت عمومی، در آینده افزایش خواهد یافت. در وهله‌ی دوم، این واقعیت که نسبت بالای جرم‌های ارتكابی فراملی است؛ کنترل آن را دشوارتر می‌گرداند.

تا آن جایی که تاریخ بشر به یاد دارد جرایم به لحاظ محدودیت‌های مربوط به ارتباطات، از لحاظ جغرافیایی کاملاً محدود بوده‌اند. به هر حال امروزه جرایم سازمان‌یافته و قاچاق مواد اعتیاد آور غیر قانونی و تروریسم، اغلب در سطح بین‌المللی آسان‌تر ارتکاب می‌یابد تا در سطح داخلی و این به خاطر تنوع و تفاوت قانون‌گذاری کیفری و ناکافی بودن همکاری قضایی بین کشورهاست. شیوه‌ی توسعه جهان تاکنون، این تفسیرها را تأیید می‌کند. در اروپا پایان جنگ سرد دقیقاً زمینه‌ی جرم‌را تغییر داد و قلمرو تازه‌ای را برای شبکه‌های جنایی گشود. هم‌چنین جهانی شدن فرصت جدیدی برای وقوع جرایم سازمان‌یافته بود؛ به ویژه در زمینه‌ی مالی، به علت سرعت ارتباطات و توسعه فن‌آوری.

در موقعیت کنونی برگزیدن یک سیاست جنایی مناسب مشکل‌تر از گذشته شده است. در کشورهای مبتنی بر قانون اساسی، آن گزینه‌ها بین تساهل صفر (که یکی از رویکردهای مطرح نسبت به شیوه‌ی برخورد با مجرمان است، به ویژه در آمریکا) و اصلاحات متعدد، در نوسان بوده که هدف آن‌ها پرداختن به اشباع سیاست‌گذاری و سیستم‌های عدالت بوده، یا تحت فشار وارده از

سوی الغاگرایان، معرفی شده اند. در این میان، در قسمت هایی از جهان برخی از رویه های قانونی عمداً حقوق بشر را نقض می کنند و مجازات های بدنی را اعمال می کنند که در گذشته اجرا می شد.

پی جویی کارآمدی سیاست جنایی باید محدوده های طبیعی خود را با نیاز به رعایت ضوابط مشخص اخلاقی دریابد.

۴- اندیشه های جدید مانند گسترش حمایت از بزه دیده، تجربیات میانجی گری «مفهوم عدالت ترمیمی» و تقویت معاضدت قضایی در کشورهای مبتنی بر قانون اساسی، در حال ظهور است. به رغم این که شکست از دهه شصت قرن نوزدهم مشاهده شده؛ در بیشتر برنامه های اصلاحی، جمعیت زندان ها در سطح بالایی باقی مانده اند؛ اگر چه شمار مجرمینی که مجازات هایشان را در جامعه تحمل می کنند نیز افزایش یافته است.

چنین جایگزین هایی کم هزینه تر از مجازات های معمول و متداول هستند و با حقوق بشر سازگارترند. اما در واقع این جایگزین ها در مورد جرایم خشونت آمیز و جرایم سازمان یافته دارای تأثیر کمتری هستند. بنابراین تلاش برای تلفیق و سازش بین، تقاضا برای امنیت عمومی که خواستار مبارزه با آزادی عمل مفرط سیستم کیفری نیست، و نفوذ در حال افزایش مفهوم حقوق بشر، حیاتی است. هم چنین واقعیات اقتصادی و اجتماعی باید در نظر گرفته شود. دگرگونی ها در جوامعی که از لحاظ اقتصادی پیشرفته اند، گرایش به نشان دادن این مطلب دارند که جرم در جوامع مرفه تر، مساوات گراتر و آزادی خواه تر کاهش پیدا نمی کند. انگیزه ی سود گرایانه یکی از نیروهای محرک در ارتکاب جرایم امروزی است؛ خواه با استفاده از سازواره ی اقتصاد مدرن یا اعمال خشونت وحشیانه. با این وجود نمودهای مشخص جرم، نتیجه ی عدم مدیریت مناسب، توسعه ی اقتصادی و پیامد نابرابری های اجتماعی نیز می باشد.

در میان این زمینه های متفاوت اجتماعی و سیاسی، نقش جرم شناسی باید تثبیت گردد تا سرنوشت سازتر و مهم تر از آن چه باشد که امروز هست.

کاهش جرم و تقویت عدالت به عنوان یک هدف دارای اولویت برای دولت‌ها درآمده است؛ زیرا به طور فزاینده‌ای کل جامعه را نگران می‌کند. بنابراین، برای چالش‌های جدید باید پاسخ‌هایی یافت شود که نه تنها سیاست و خط مشی، بلکه عملکرد سیزدهمین کنگره ی جهانی جرم‌شناسی را یک گردهمایی سرنوشت‌ساز و مهم برای تمامی متخصصین و کلیه ی کسانی بنماید که در این زمینه فعالیت می‌کنند. ما امیدواریم که تعداد زیادی از این صاحب‌نظران در گردهمایی شرکت نمایند.

### چکیده:

«کاهش جرم و تقویت عدالت، چالش‌هایی برای علم، سیاست و عمل» موضوع سیزدهمین کنگره جهانی جرم‌شناسی است که از ۱۰ تا ۱۵ اوت سال ۲۰۰۳ در ریو دوزانیرو برگزار خواهد شد. نگارنده اهداف اصلی این رخداد مهم را مختصراً شرح می‌دهد.

### درباره پیشگیری از جرم چه می‌دانیم؟<sup>(۳)</sup>

متأسفانه امروزه پیشگیری از جرم، چون گذشته، تمایل دارد که به طور بی‌محتوایی به جنبش در آید تا منطبق با واقعیات (ویشر و ویسبرد، ۱۹۹۸، ۲۳۸). لیکن سیاست و شیوه ی مؤثر عمومی نیازمند این است که براساس ادله و مدارک علمی پایه ریزی شود. این دیدگاهی است که در مورد علم پزشکی (میلنسون، ۱۹۹۷) و دیگر زمینه های علمی حمایت‌های زیادی را به خود اختصاص داده تا بهبودی و پیشرفت را به جامعه ارزانی دارد.

با این حال این رویه معمولاً در جرم‌شناسی یا عدالت کیفری اتخاذ نمی‌شود. ظاهراً مدارک داستان وار و غیرعلمی، موارد مورد نظر در برنامه های ماهیانه و ایدئولوژی سیاسی، تدابیر و سیاست‌هایی در مورد جرم را در ایالت متحده آمریکا در برنامه کار قرار داده است. به عنوان نتیجه گیری می‌توان گفت ما با چهل تکه ی از برنامه هایی که در پیشگیری از جرم پتانسیلشان ناشناخته است، به حال خود رها شده ایم.

برنامه های پیشگیری از جرم ممکن است مؤثر واقع نشود یا بدتر نیز بشود؛ حتی ممکن است نتایج زیان‌باری را به بار آورد (دیشین ات ال، ۱۹۹۹).

نظر ما این نیست که جامعه عمداً به وسیله قانون گذاران و سیاست گذاران که در حال سرمایه گذاری بر روی برنامه هایی هستند که براساس مدارک علمی مؤثر نمی باشند اغوا می شوند؛ بلکه واقعاً این قانون گذاران و سیاست گذاران از زیر بار مسئولیتشان در قبال جامعه ی پرداخت کننده ی مالیات، با سرمایه گذاری نکردن صرفاً بر روی برنامه هایی که مدارک علمی حاکی از تأثیر آن ها در پیشگیری از جرم می باشد، شانه خالی می کنند.

درست همان گونه که داروها باید قبل از تأیید به منظور استفاده ی عمومی، ارزیابی و بررسی شوند و باید نشان داده شود که مؤثر هستند، می بایست درباره ی روش های پیشگیری از جرم نیز این شیوه اعمال گردد. در نوشتن راجع به موضوع سیاست گذاری مبتنی بر مدارک و شواهد، شرمین (۱۹۹۸، ۶) یادآوری می کند که «بیشتر عملیات پلیس مانند عملیات پزشکی هنوز به وسیله ی عرف محلی و عقاید، نظریه ها و آثار موضوعی شکل می گیرد»، اما «سیاست گذاری مبتنی بر مدارک و شواهد در چالش با اصولی از تصمیم گیری قرار دارد و بازتابی نظامند نسبت به پیشرفت کیفی مستمر در دستیابی به اهداف پلیس را ایجاد می کند» (شرمین ۱۹۹۸، ۶) نیاز به اقدام مبتنی بر مدارک و شواهد در زمینه های گسترده تر پیشگیری از جرم بدیهی است؛ خواه از طریق پلیس و دادگاه ها یا مراکز اصلاح و تربیت باشد یا از طریق جایگزین ها و رویکردهای قضایی غیر کیفری از قبیل برنامه های پیشگیری از خشونت در مدارس، یا برنامه های مداخله ی دسته جمعی در اجتماعات. این مقاله یافته های مهم راجع به این که برای پیشگیری از جرم چه برنامه هایی مؤثر هستند، چه برنامه هایی مؤثر نیستند، چه برنامه هایی امیدوار کننده هستند و چه برنامه هایی تأثیر شان ناشناخته است به طور خلاصه بیان کرده و مفاهیم ضمنی سیاست عمومی را مورد بحث قرار می دهد. یافته های این مقاله مبتنی بر یک پروژه ی تحقیقاتی مشارکتی بود که به منظور روز آمد کردن و تجدیدنظر اساسی در گزارش سال ۱۹۹۷، انجام شده توسط لورنس شرمین و همکارانش در دانشگاه مریلند مبنی بر «پیشگیری از جرم، چه برنامه هایی در پیشگیری از جرم مؤثر هستند، چه برنامه هایی مؤثر نیستند و چه برنامه هایی امیدوار کننده می باشند؟» به عمل آمده است.

نظر کنگره ی ایالات متحده این بود که این گزارش، یک ارزیابی بی طرفانه، از نظر علمی، دقیق و با ارزش بیش از چهار میلیون دلار است که تعهد می شود برای برنامه های پیشگیری از جرم به صورت فدرال اجرا شود. نیویورک تامیز گزارش «پیشگیری از جرم» را «جامعترین مطالعه ای که تاکنون راجع به پیشگیری از جرم به عمل آمده است» نامگذاری کرد (باتر فیلد ۱۹۹۷، ۸۲). نتایج کامل پروژه ها در کتاب پیشگیری از جرم مبتنی بر دلایل و مدارک منتشر می شود (شرمن ات ال، ۲۰۰۲).

### پیشگیری از جرم چیست؟

پیشگیری از جرم متکی بر آثار و نتایج متکی است.

در مورد پیشگیری از جرم به طور گسترده ای سوء تعبیر به عمل آمده است. در ایالات متحده آمریکا گفتمان ملی درباره ی جرم، اغلب به «پیشگیری» و «مجازات»، به عنوان مفاهیم متقابلاً منحصر، می نگرد و مخالف استمرار پاسخ های ملایم در مقابل پاسخ های خشونت آمیز، نسبت به جرم است؛ به عنوان مثال رایزنی با همسالان در مقابل اردوگاه های اخراج اطفال.

لیکن دانش جرم شناسی چنین دوگانگی ای را شامل نمی شود. این گفتمان چنان که گویی بحث عمومی راجع به فیزیک است که بین شعله و کبریت دوگانگی رسم می کند؛ شعله نتیجه است و کبریت صرفاً ابزاری برای دستیابی به آن نتیجه است. به خوبی روشن است که ابزار دیگری در کنار کبریت، از شیشه های بزرگ نما کننده گرفته تا جعبه های آتش زنه، می تواند موجب سوخت رساندن برای افروختن شعله شود.

همین طور، پیشگیری از جرم نتیجه است؛ در حالی که مجازات صرفاً یک ابزار محتمل برای دستیابی به آن نتیجه است. هم رایزنی با همسالان و هم اردوگاه های اخراج اطفال، ممکن است منطقاً در دستیابی به تعریف علمی پیشگیری از جرم موفقیت آمیز باشند یا با شکست مواجه گردند. هر سیاستی که سبب شود میزان جرایم در آینده از میزان جرایمی که در گذشته بدون اعمال آن سیاست ارتکاب یافته است، کم تر گردد؛ در این تعریف پیشگیری از جرم برابر با کاهش جرم

است. بعضی از انواع مجازات ها نسبت به برخی از مجرمین ممکن است پیشگیرنده باشد؛ در حالی که دیگر مجازات ها ممکن است زیان بار باشد و یا اصلاً هیچ گونه تأثیری نداشته باشد. دقیقاً این نکته را می توان در مورد دیگر برنامه هایی بیان نمود که شامل مجازات تحمیل شده ی قانونی نیستند اما با هدف پیشگیری از جرم توجیه می شوند.

بنابراین پیشگیری از جرم نه با اهداف آن، بلکه با آثار و نتایج آن تعریف می شود. این آثار و نتایج می تواند حداقل به دو طریق ارزیابی شود؛ یکی از آن دو طریق تعداد وقایع مجرمانه است و طریق دیگر تعداد مجرمین است (هیرشی، ۱۹۸۶).

نتایج دیگری که می تواند مورد ارزیابی قرار گیرد، میزان پیشگیری از صدمه (ریس و روت، ۱۹۹۳، ۶۱-۵۹)، هزینه های پولی جرم (ولش ات ال، ۲۰۰۱) و تعداد بزه دیدگانی است که یک بار یا به کرات صدمه دیده اند (فارل، ۱۹۹۵).

وجه اشتراک کلیه ی این تعاریف، تمرکز آن ها بر روی آثار مشاهده شده است نه محتوای خشن یا ملایم یک برنامه. تعریفی از پیشگیری از جرم که گفتمان عمومی را تحت الشعاع قرار می دهد، عامل مهم انتقادی در استنباط عمومی و سیاسی از موضوعات است. اگر بحث پیشگیری از جرم منحصرأ با عنوان های نمادین مجازات تا پیشگیری شکل می گیرد، گزینش های سیاست جنایی ممکن است بیشتر بر اساس خواسته ی احساسی باشد تا بر اساس مدارک محکم، دال بر مؤثر بودن اقدامات برای پیشگیری از جرم. با استفاده از تعریف علمی پیشگیری از جرم به عنوان یک نتیجه، ما به پیروی از دستور گزارش ۱۹۹۷ می بایست «استانداردها و روش شناسی های از لحاظ علمی مشخص و دقیق را مورد استفاده قرار دهیم.»

این امر، بحث را به ملاحظه ی گستره ی کامل سیاست هایی که برای ساختن یک جامعه ی امن تر تعقیب می کنیم، توسعه می دهد. دیدگاه از نظر تجربی دقیق در مورد این که برای پیشگیری از جرم چه اقداماتی بهتر است، با داده های حاصل از یافته های ارزیابی شده تعریف می شود نه با داده های حاصل از فروض از نظر ایدئولوژیکی ترسیم شده درباره ی ماهیت انسان. ارزش چهارچوب

کلی تحلیل سیاست های پیشگیری از جرم، به منزله ی تمرکز بر روی کلّ جنگل است تا بر روی هر درخت از آن جنگل. بیشتر مباحثات راجع به پیشگیری از جرم، سیاستی را در مقطع زمانی خاص مورد توجه قرار می دهد و گفتمان های معدودی در زمینه سیاست گذاری ها یا جرم شناسی، ارزش نسبی برنامه های پیشگیری از جرم را که برای سرمایه گذاری رقابت می کنند، مورد بررسی قرار می دهد. به هر حال مدارک علمی ممکن است دو برنامه ی متفاوت مؤثر در پیشگیری از جرم را نشان دهد که یکی ممکن است بسیار مؤثرتر از دیگری باشد، و جرایم را تا ۵۰٪ کاهش دهد؛ در حالی که دیگری جرایم را تنها تا ۲۰٪ کاهش دهد، یا ممکن است تداوم بیشتری داشته، ارتکاب جرم را در افراد جوان تر که عمر متوسط باقی مانده ی آن ها ۵۰ سال است، را کاهش دهد؛ در مقایسه با برنامه ای که به افراد مسن تر می پردازد که عمر متوسط باقی مانده ی آن ها ۲۰ سال است.

گفتمان کاملاً غیر رسمی درباره ی گزینه های سیاست پیشگیری از جرم، مستلزم اجرای تدابیری است که تداوم و تقویت اثرات برنامه را با هم تلفیق کند. با آن که این تدابیر مناسب، مربوط به دوران ثمر بخش بودن و بازپرداخت ابزار استاندارد در تصمیمات سرمایه گذاری تجاری می باشد، اما تقریباً به طور کامل در زمینه ی سیاست پیشگیری از جرم گفتمانی ندارند (آ.اوس، ات ال ۲۰۰۱).

با این حال، مقایسه ی ساده ی بازده حاصل از سرمایه گذاری بر روی هر یک از سیاست های پیشگیری از جرم با جایگزین های آن می تواند موضوع کلیدی دیگری را پنهان نماید؛ وابستگی متقابل بین سیاست ها یا شرایط اقتصادی و اجتماعی، مؤثر بودن یک سیاست لازم است.

برنامه های پیشگیری از جرم، در یک فضا و مکان اجرا نمی شوند. برنامه ی پیشگیری از جرمی که مبتنی بر فرصت دهی و ارفاق است، در جامعه ی که کودکان در آن با سلاح های گرم روز رشد نموده اند ممکن است با شکست مواجه شود.

انبوهی از زندانیان که به هم زنجیر شده اند، در جامعه ای که ۷۵٪ افراد آن بیکار هستند (نرخ بیکاری در آن ۷۵٪ است) ممکن است تأثیر بازدارندگی کمی داشته باشد. یافتن برنامه هایی که به

طور ویژه به طور هم زمان در چند محیط سازمانی مانند بازارهای کار، خانواده و پلیس مؤثر باشند، می تواند ضروری باشد.

محیط، یک صحنه اجتماعی برای بازی کردن نقش های مختلف مانند والد (پدر و مادر)، کودک، همسایه، کارفرما، معلم و رهبر فرقه مذهبی (مسیحی) است. برای تعریف این محیط ها (بازارهای کار، خانواده ها، پلیس،...) روش های متعددی وجود دارد و مرز بین آن ها (روش ها)، ضرورتاً اختیاری است.

با این حال، قسمت اعظم ادبیات پیشگیری از جرم، به طور کاملاً واقعی با هفت محیط بزرگ سازمانی تناسب دارد که عبارتند از :

۱- خانواده ها؛

۲- اجتماعات؛

۳- مدارس؛

۴- بازارهای کار؛

۵- منازل؛

۶- نمایندگی های پلیس؛

۷- دادگاه ها و مراکز اصلاح و تربیت؛

تعریف هر یک از این محیط ها برای پیشگیری از جرم، کاملاً گسترده است و گاهی این تعاریف بر یکدیگر منطبق می شوند. اما این چهارچوب برای سازمان دهی یافته های تحقیقاتی راجع به مؤثر بودن در پیشگیری از جرم، کاملاً انجام پذیر است. یک نظریه این است که تأثیر پیشگیری از جرم در هر یک از آن هفت محیط سازمانی، کاملاً به شرایط محلی موجود در دیگر سازمان ها بستگی دارد.

اما روش دیگر، این است که شرایط لازم برای اقدامات موفق پیشگیری از جرم در هر محیط، می تواند حمایت کافی از چنین اقداماتی در محیط های مربوط باشد.

مدارس بدون وجود خانواده های حمایت کننده، خانواده ها بدون وجود بازارهای کار حمایت کننده، بازارهای کار بدون وجود خیابان هایی که پلیس به خوبی در آن ها، امنیت را حکم فرما نموده، و پلیس بدون شرکت جامعه در بازار کار، نمی توانند موفقیت حاصل کنند (در امر پیشگیری از جرم). این موارد و دیگر نمونه ها ترویج نظریه «بازدارندگی مشروط» در جرم شناسی هستند (تایتل و لوگان ۱۹۷۳، ویلیامزها و کینز ۱۹۸۶)، که ادعا می کند مجازات قانونی و تهدید ناشی از آن، صرفاً در صورتی می تواند در پیشگیری از جرم مؤثر واقع شود، که به وسیله کنترل های اجتماعی غیررسمی نهادهای دیگر تقویت شود. هم چنین ماهیت مشروط بازدارندگی قانونی در مورد راهبردهای دیگر پیشگیری از جرم ممکن است صدق کند.

همان گونه که این بازدارندگی، صرفاً ممکن است در مورد گروه ها و اجتماعات مرفه، به طور مناسب مؤثر واقع شود، کلیه انواع پیشگیری از جرم، ممکن است صرفاً زمانی مؤثر واقع شود، که زمینه سازمانی به کمال و به اندازه کافی، برای حمایت از آنان فراهم باشد.

ما با پیشنهاد این که ثمربخشی برخی از اقدامات پیشگیری از جرم، ممکن است به زمینه های سازمان آن ها بستگی داشته باشد، نظری بدبینانه به آینده ابراز نمی کنیم. در حالی که برخی ممکن است چنین اظهار نظر کنند، که هیچ برنامه ی نمی تواند مؤثر باشد، مگر این که در مورد علل ریشه ی جرم چاره جویی شود؛ ما هیچ پایه و اساس علمی برای این استنتاج و مدارک مهم و مستدل در مقابل آن نمی یابیم.

مواردی از اسناد و مدارک مورد استفاده در این مقاله که دقیق و مفید هستند، مبتنی بر دیدگاه آزاد راجع به نقش ارزیابی علمی، در پیشگیری از جرم می باشند. آینده ای که در آن، ارزیابی های به عمل آمده از برنامه، به دقت بررسی می شود و به طور سیستماتیک زمینه سازمانی هر برنامه ای را تغییر می دهد. این راهبرد برای مجموعه ای از علوم فنی، اساسی و مهم است که پیرامون ارتباط درست بین زمینه سازمانی و مؤثر بودن برنامه، توسعه یابد.

ما انتظار داریم، توجه بیشتری نسبت به همبستگی متقابل نهادهایی معطوف گردد که ممکن است ما را در کشف چگونگی تعیین هم زمان عوامل متعدد سازمانی، به منظور پیشگیری موفقیت آمیزی که تا به حال به آن دسترسی نداشته ایم، یاری می کنند.

شکست ظاهری اقدامات و تلاش های به عمل آمده به منظور پیشگیری از جرم، به این معنی نیست که ما باید تسلیم شده و از تلاش دست برداریم. چنین شکست هایی مراحل آغازین تقریباً کلیه ی پیشرفت های بزرگ در علم، از اختراع نور لامپ تا ایجاد واکسن فلج اطفال را نشان می دهد. واقعیت این است که مطالعه و بررسی ما، موفقیت های پیشگیری از جرم را در می یابد اما در مورد هر یک از هفت محیط مورد بحث، حاکی از این واقعیت است که آزمایش و خطای بیشتر می توانسته تاکنون به نحو قابل توجهی مؤثر باشد.

در ایالات متحده امریکا، تاکنون سرمایه گذاری ملی بر روی تحقیق و توسعه در زمینه ی پیشگیری از جرم، به ویژه در رابطه با میزان نگرانی عمومی در مورد این مسأله، نسبتاً ناچیز بوده است (رایس و روت ۱۹۹۳، بلامستین و پیتز سیلیا ۱۹۹۵، ویلسون ۲۰۰۲).

پرداختن به مسأله جرم و مبارزه با آن در بسیاری از حوزه های سازمانی، می بایست در آن واحد فرصت های بیشتر، نه کمتر برای حصول موفقیت ارائه نماید. تعریف پیشگیری از جرم از روی نتایج حاصله، نه از روی هدف یا محتوای برنامه، تحلیل علمی را بر روی سه سؤال بسیار مهم متمرکز می نماید:

- ۱- تأثیر مستقل هر برنامه یا اقدام پیشگیرانه از جرم بر روی میزان مشخصی از جرم چیست؟
- ۲- بازده نسبی حاصل از سرمایه گذاری بر روی هر برنامه یا اقدامی (به منظور پیشگیری از جرم) که از یک سنجش گر متداول برای سنجش هزینه ها و نیز سنجش میزان جرایمی که از وقوع آن ها پیشگیری به عمل آمده است استفاده کند، چیست؟ (برای مطالعه راجع به تحقیقات به عمل آمده ی اخیر در مورد این سؤال، به ولش و فارینگتون ۲۰۰۰ و ولش ات ال ۲۰۰۱ مراجعه نمایید).

۳- در محیط های سازمانی دیگر، چه شرایطی برای یک برنامه یا اقدام پیشگیری از جرم لازم است تا نشان دهد که آن برنامه یا اقدام مؤثر است، یا تأثیر آن را افزایش یا کاهش دهد؟

وضعیت کنونی علم، به سختی به ما اجازه می دهد که سؤال نخست را مورد بحث قرار دهیم و راجع به سؤال دوم و سوم نیز اطلاعات بسیار جزئی و ناچیزی در اختیار ما قرار می دهد.

با این وجود، انشای درست سؤالات، سهم بالقوه ای را نشان می دهد که حمایت دولت در ارزیابی اقدامات پیشگیری از جرم می تواند ارائه نماید. این بالقوه بودن، به ترتیب می تواند به استنباط درست از موقعیت هر اقدام یا برنامه ی پیشگیری از جرم، در شبکه ی گسترده ای از نهادهای اجتماعی، بستگی داشته باشد.

برای متخصصین مربوطه، پیشگیری از جرم یک فن است اما فن پیشگیری از جرم (مانند فن پزشکی) می تواند ارزیابی شود و به وسیله علم ارزیابی تأثیرات برنامه ی مربوط، هدایت گردد.

ارزیابی علمی از پیشگیری از جرم، محدودیت ها و نقاط قوتی دارد. مهمترین محدودیت این است که دانش علمی موقتی است و این به این دلیل است که هرگز مشخص و قطعی نیست که اگر برنامه ای در یک محیط، مؤثر در پیشگیری از وقوع جرم بوده، در محیط جدید دیگری نیز چنین تأثیری داشته باشد.

مهم ترین نقطه قوت ارزیابی علمی این است که قوانین علمی روشی ثابت و عینی برای استنتاج درباره ی علت و معلول پیش بینی می کنند. مهمترین محدودیت علم این است که دانشی که تولید می کند همواره مورد اصلاح قرار می گیرد؛ بنابراین هیچ استنتاجی دائمی و همیشگی نیست.

همان گونه که دادگاه عالی ایالات متحده در تحلیلش از دلایل و مدارک علمی در دعوی دابت علیه مریل داو در سال ۱۹۹۳ متذکر گردید، هیچ تئوری ای (یا برنامه ی) درباره ی علت و معلول نمی تواند اثبات گردد تا بتواند درست بودنش معلوم شود. چنین تئوری ای فقط می تواند رد گردد.

هر آزمایشی که برای عملی ساختن یک هر تئوری به عمل می آید، فرصتی را برای رد نمودن آن تئوری فراهم می کند.

چنان چه تئوری ای با آزمایش های قوی و مکرر ردّ نگشته و باقی بماند، ما اطمینان بیشتری حاصل خواهیم کرد که این تئوری درست است. اما همه ی تئوری ها (به عنوان مثال تئوری، درباره ی اثرات برنامه ی پیشگیری از جرم) ممکن است ردّ شوند و یا به احتمال بیشتر با یافته های جدید مورد تجدیدنظر قرار گیرند.

### **بررسی تحقیقات جدید:**

به طور خلاصه، پیرو انتشار گزارش سال ۱۹۹۷ که سرمایه گذاری آن عمدتاً به وسیله ی مؤسسه جری لی انجام شده بود، برای به روز کردن فصول پیشگیری از جرم در هفت محیط، به نویسندگان اصلی کتاب و نیز نویسندگان جدید، مأموریت داده شد.

برخلاف گزارش سال ۱۹۹۷، انجام تحقیق برای پیشگیری از جرم مبتنی بر دلایل و مدارک، در معرض محدودیت های جدی زمانی قرار نداشت؛ بنابراین این امر نویسندگان را قادر می ساخت که در مدت زمانی حتی بیش از زمان تعیین شده، کار خود را به اتمام برسانند. برای بعضی از فصول کتاب، یعنی فصول مربوط به منابع ثانویه (به عنوان مثال بازبینی نوشته های تخصصی که قبلاً مورد استفاده قرار گرفته بودند) منابع اولیه جمع آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

برای کلیه ی فصول کتاب، نویسندگان با استفاده از کامپیوتر و یا به صورت دستی، بررسی های جدیدی به عمل آوردند تا برنامه های جدید و یا تازه ترین پیگیری های به عمل آمده در مورد نتایج برنامه های پیشگیری از جرم را شناسایی نمایند. فصول کتاب بیشتر در سال ۲۰۰۰ به نگارش درآمد و شامل بیش از صد تحقیق جدید بود که مؤثر بودن برنامه های پیشگیری از جرم را ارزیابی می کرد.

لازم است که از کار مهم و برجسته ی نویسندگان فصول دیگر کتاب، شوون بوش وی، جان اِک، دنیز گات فردسون، آکمی هُشی، استیسی ناجاکا، پیتر رویتر و دیوید ویلسون تقدیر نماییم.

### **تأکید بر تأثیر:**

عامل اولیه مورد استفاده برای ارزیابی ویژه برنامه های پیشگیری از جرم، به منظور مطالعه و بررسی مدارک (مثبت یا منفی) و تأثیر آن ها بر جرم بوده است.

اکثر ارزیابی های به عمل آمده در مورد برنامه های پیشگیری از جرم، ارزیابی های فرایند مدار است که توضیح می دهند چه اقدامی صورت گرفته است، نه ارزیابی هایی که تأثیر مدارند و تأثیری را که برنامه ها بر جرم می گذارند، ارزیابی می کنند. هر چند که ارزیابی های فرایند مدار می توانند اطلاعات ارزشمند زیادی راجع به اجرای برنامه ها و منطق راهبردهای آن ها ایجاد نمایند اما نمی توانند مدارکی دال بر این که برنامه ها در خصوص پیشگیری از جرم مؤثر بوده اند، ارائه نمایند. ارزیابی هایی که شامل معیارهای مربوط به فرایند و معیارهای مربوط به تأثیر برنامه هاست، بیشترین اطلاعات را به دست می دهند اما به ندرت در مورد آن ها سرمایه گذاری می شود و یا معرفی می گردند.

### **تأکید بر جرم:**

تمرکز کار ما بر بررسی اثرات جرم است که عبارت است از دانستن این که آیا جرم در نتیجه ی اجرای برنامه ها بالا رفته، کاهش یافته و یا بدون تغییر باقی مانده است. تمرکز علاوه بر نتایج جرم، شامل عواملی است که میزان خطر سازی آن ها در ارتکاب جرم مشخص شده است؛ مثلاً رفتار اختلال آمیز کودکان، بیکاری، ترک تحصیل از مدرسه یا شامل نتایج رفتارهای انحرافی مانند رفتار ضد اجتماعی، مصرف الکل و یا مصرف دیگر داروها می باشد.

### **معیار روش های علمی:**

معیار روش های علمی (SMS)، برای ارزیابی کیفیت روش شناختی برنامه های پیشگیری از جرم به کار می رود. این معیار، به طور عمده مبتنی بر کتاب کلاسیک، نوشته کوک و کمبل (۱۹۷۹) است. (برای مطالعه ی روش شناختی معیارهای کیفیت، به کتاب فارینگتون مراجعه کنید b) (۲۰۰۳).

به عنوان مثال تصور کنید که فرضیه تحقیق زیر قرار است آزمایش شود:

«نصب تلویزیون مدار بسته (CCTV) سبب کاهش جرم می شود». این فرضیه را می توان با تحقیق در مورد این که مناطق دارای تلویزیون مدار بسته نسبت به مناطق فاقد این نوع تلویزیون، نرخ جرم پایین تری دارند، آزمایش کرد. به هر حال با فرض این که این موضوع کشف شود، این طرح به روشنی ثابت نخواهد کرد که بین CCTV و جرم رابطه علی وجود دارد.

برای تأکید بر یک مسئله ی مشخص و آشکار، نواحی بدون CCTV به طرق متعدد دیگر از نواحی با CCTV تفاوت دارند و تفاوت ها در نرخ جرم، می تواند به یک یا بیشتر این تفاوت ها در متغیرهای فرعی، نسبت داده شود.

یک طرح آزمایشی که در آن عمداً وجود یا عدم وجود CCTV لحاظ شده است، نتایج مبهم کمتری ایجاد می کند؛ برای مثال، فرضیه ی تحقیق را می توان با تحقیق راجع به این که نرخ جرم در یک منطقه بعد از نصب CCTV، در مقایسه با قبل از نصب آن کاهش یافته است، آزمایش کرد. اما باز هم این طرح نسبتاً ضعیف خواهد بود؛ چرا که مانع از تفاسیر محتمل فراوان دیگر در مورد نتایج، نمی شود. شاید نرخ جرم به لحاظ تغییرات دیگری در منطقه (مثلاً گشت شدیدتر پلیس) کاهش یافته. شاید این کاهش ادامه ی روند قبلی بوده است یا این که کاهش به لحاظ تغییر روش های ثبت جرایم توسط پلیس، تصنعی بوده است یا شاید CCTV پس از یک دوره افزایش غیر معمول جرم که متعاقب آن جریان ارتکاب جرم فروکش کرده است، نصب شده باشد. مسأله مربوط به پیچیدگی احتمالات مذکور در آوردن تأثیرات CCTV است. به منظور آزمودن این نوع توجیهات، انواعی از شرایط کنترل لازم است که مداخله ی تجربی CCTV را دریافت نمی کنند.

معمولاً به نظر می رسد که تجربه ی تصادفی، با ثباتترین یا مجاب کننده ترین نتیجه ی تجربی به دست آمده در آزمایش فرضیه های علی است. زیرا این تجربه، این امکان را فراهم می سازد که شمار زیادی از فرضیه های محتمل از بحث خارج شوند (فارینگتون، ۱۹۸۳، ویسبردات آل ۲۰۰۱)؛ به عنوان مثال، فرضیه های تحقیق با تعیین تصادفی محلاتی از شهر به منظور تحت نظارت CCTV بودن یا نبودن و تحقیق در مورد این که آیا نرخ جرم بعد از نصب، در محلات مورد آزمایش نسبت

به محلات کنترل شده کاهش یافته است، تحقیق به عمل آید؛ می توانند مورد آزمایش قرار گیرند. این طرح هر محله را خواه نصب CCTV داشته یا نه، کنترل می نماید و اثرات خارجی بر نرخ جرم را نیز کنترل می کند (به طور متوسط در شرایط کنترل و آزمایش یک سان هستند). این نظریات شالوده SMS را تشکیل می دهد که یک معیار ۵ درجه ای کیفیت روش شناختی است. در ساخت SMS، هدف اصلی طرح یک معیار ساده برای اندازه گیری اعتبار داخلی بوده که بتواند به آسانی با دانش پژوهان، سیاست گذاران و اهل فن ارتباط برقرار کند. بدین ترتیب یک معیار ۵ درجه ای ساده، مورد استفاده قرار گرفته تا خلاصه سازی امتیازات در تعدادی از معیارهای خاص (به عنوان مثال از صفر تا صد) مورد توجه قرار گیرد.

هدف این بوده که هر درجه، در معیار قابل فهم باشد و معیار به ترتیب زیر است؛

مرحله نخست: ارتباط و همبستگی برنامه ی پیشگیری و میزان جرم در یک نقطه و برهه از زمان مثلاً مناطقی با CCTV نرخ جرم کمتری نسبت به مناطق بدون CCTV دارند. همان طور که که ذکر شد این طرح در رد کردن تهدیدات نسبت به اعتبار داخلی و نیز تثبیت نظم علی با شکست مواجه می گردد.

مرحله دوم: اندازه گیری میزان جرم قبل و پس از برنامه، بدون هیچ شرایط کنترل قابل مقایسه، مثلاً جرم بعد از نصب CCTV در یک ناحیه کاهش یافت. این طرح نظم علی را تثبیت می کند اما در ردّ تهدیدات نسبت به اعتبار داخلی، با شکست مواجه می گردد.

طرح های دو مرحله ی فوق، از نظر کوک و کمبل، ناکافی و غیر قابل تفسیر بودند (۱۹۷۹).

مرحله سوم: میزان جرم قبل و پس از برنامه، در شرایط کنترل قابل مقایسه و آزمایشی، مثلاً میزان جرم پس از نصب CCTV در منطقه ی مورد آزمایش، کاهش یافت، اما هیچ کاهش در جرمی در منطقه ی کنترل قابل مقایسه ایجاد نشد.

این طرح (مرحله سوم) به نظر کوک و کمبل دارای کمترین حد قابلیت تفسیر بود؛ و نیز در پروژه ی ما به عنوان طرح حداقلی که برای به دست آوردن نتایج در مورد این که برنامه ها چه تأثیری

دارند (در پیشگیری از جرم)، کافی است. هم چنین به عنوان استاندارد حداقل در انتخاب تحقیقاتی که شامل بررسی منظم تأثیر CCTV در کاهش جرم باشد (ولش و فارینگتون، ۲۰۰۲)، به کار می رود. این طرح بسیاری از تهدیدها را نسبت به اعتبار داخلی که شامل پیشینه، تکامل فرایند، ایزارمند کردن، آزمایش کردن و پایا بودن است، از بین می برد. مشکلات اصلی آن بر روی اثرات انتخاب و کاهش تا میانگین (به علت شرایط کنترل و آزمایش نامتعادل) متمرکز است.

مرحله چهارم: میزان جرم قبل و پس از برنامه، در واحدهای کنترل و آزمایش چند گانه و کنترل دیگر متغیرها که بر جرم اثر می گذارند؛ به عنوان مثال بزه دیدگی منازل و اماکن تحت نظارت CCTV، در مقایسه با بزه دیدگی منازل و اماکن تحت کنترل که پس از کنترل، ویژگی های آن منازل و اماکن بر بزه دیدگی شان تأثیر گذاشته است. این طرح، در زمینه ی تأثیرات بیرونی، کنترل آماری بهتری برنتایج دارد از این رو انتخاب و بازگشت تهدیدها را به طور کافی، مورد بررسی قرار می دهد.

مرحله پنجم: تعیین تصادفی برنامه و شرایط کنترل برای واحدها، (برای مثال بزه دیدگی منازل و اماکن که به طور تصادفی برای داشتن نظارت CCTV انتخاب شدند، در مقایسه با بزه دیدگی منازل و اماکن تحت کنترل، کاهش یافته است. در این مرحله واحدهای زیادی به طور تصادفی تعیین می شوند که در شرایط آزمایشی، با آن هایی که در شرایط کنترل هستند، بر اساس کلیه ی متغیرهای بیرونی ممکن که بر نتیجه اثر گذارند، یکسان خواهند بود. لذا این طرح، گزینش و بازگشت مشکلات را مورد بررسی قرار می دهد و از بالاترین میزان اعتبار داخلی برخوردار است. در حالی که آزمایش های تصادفی، اصولاً بالاترین میزان اعتبار داخلی را دارا می باشند و در عمل در جرم شناسی نسبتاً غیر معمول بوده و اغلب مشکلات اجرایی دارند (فارینگتون ۱۹۸۳ a، ۲۰۰۳).

در پرتو این واقعیت، SMS - همان گونه که در بالا تعریف شد - تنها بر اعتبار داخلی متمرکز است؛ به علاوه همه پروژه های ارزیابی، براساس اعتبار نتیجه گیری آماری و اعتبار ساختاری سنجیده می

شوند. به خصوص چهار جنبه ی زیر، در پژوهشی به شرح ذیل ارزیابی می شوند مبنی بر که در اعتبار نتیجه گیری آماری :

۱- آیا آنالیز آماری مناسب بوده است؟

۲- آیا پژوهش به لحاظ جزئی بودن نمونه ها، توان آماری پایینی برای کشف اثرات داشته است؟

۳- آیا میزان پاسخ ها پایین بوده، یا پاسخ ها متفاوت بوده است؟

۴- قابلیت اطمینان و اعتبار سنجش نتیجه، چگونه بوده است؟

اگر مشکلی جدی در هر یک از این حیطه ها وجود داشت، SMS باید یک درجه کم شود؛ برای مثال یک آزمایش تصادفی با مشکلات اجرایی جدی (مانند همسایش (عدم اعتبار) بالا) ممکن است درجه مرحله چهارم را دریاف کند، تا درجه مرحله پنجم. توجیه این مطلب این گونه است که مشکلات اجرایی، قابلیت مقایسه ی واحدهای آزمایشی و کنترل را کاهش داده است و به این دلیل از اعتبار درونی کاسته است.

اعتبار بیرونی، تا حدودی مقررات ناظر به جمع آوری دلایل ومدارک را از طریق تحقیقات مختلف ارزیابی، مورد خطاب قرار می دهد. هم چنین هدف مهم، سادگی ارتباط یافته ها با محققان، سیاست گذاران و اهل فن بوده است. هدف، طبقه بندی کلیه ی انواع برنامه ها در یکی از این چهار دسته بندی بوده است؛ برنامه هایی که در پیشگیری از جرم مؤثرند، برنامه هایی که مؤثر نیستند، برنامه هایی که امیدوار کننده و اطمینان بخش هستند و برنامه هایی که تأثیرشان ناشناخته و نامعلوم است.

برنامه هایی که در پیشگیری از جرم مؤثرند:

در این دسته بندی، انواع برنامه هایی قرار دارند، که در انواع بافت ها و زمینه های اجتماعی، از وقوع جرم پیشگیری می کنند و این برنامه ها در این زمینه ارزیابی شده اند. انواع برنامه هایی که به عنوان کار آمد و مؤثر علامت گذاری شده اند باید حداقل دو مرحله ۳ و ۵ از ارزیابی ها، که عوامل

مهم آماری، نتایج رضایت بخش و برتری مدارک، نشان دهنده تأثیرگذاری آن ها را است داشته باشند.

برنامه هایی که در پیشگیری از جرم بی تأثیرند:

این دسته بندی، شامل انواع برنامه هایی است که در پیشگیری از جرم با شکست مواجه شده اند. این برنامه ها- که به عنوان غیر مؤثر کد گذاری شده اند- باید حداقل دو مرحله ۳ و ۵ و معیارهای مهم آماری را که بی تأثیری و را نشان می دهد، دارا بوده، مدارک تقویت کننده ی عدم تأثیر آن ها در پیشگیری از جرم موجود بوده و برتری داشته باشد.

برنامه هایی که در پیشگیری از جرم، امیدوار کننده و اطمینان بخش هستند:

این دسته بندی شامل انواع برنامه هایی است که سطح اطمینان از مدارک، برای حمایت از نتایج قابل تعمیم و کلی، بسیار پایین است ولی مبناها و پایه های تجربی برای پیش بینی این که تحقیقات بیشتر چنین نتایجی را تقویت خواهد کرد، وجود دارد. انواع برنامه ها در صورتی در این دسته بندی کد گذاری می شوند که در یک مرحله از مراحل ۳ و ۵ ارزیابی، و در برتری مدارک باقی مانده، تأثیر مهمی داشته باشند.

برنامه هایی که در پیشگیری از جرم تأثیرشان ناشناخته است:

هر برنامه ای که در هیچ یک از سه دسته بندی و گروه فوق طبقه بنید نشده باشد، به عنوان این که تأثیرش ناشناخته است، تلقی می گردد.

پروژه ما مشخص می کند که تحقیقات ارزیابی در کیفیت روش شناختی، از نظر نیاز آن ها در رسیدن به حداقل مرحله SMS<sup>۳</sup>، متفاوت هستند.

ارزیابی ها نشان می دهد که از ۷۰۰ برنامه، ۲۹ نوع از برنامه ها در پیشگیری از جرم مؤثر، ۲۵ برنامه غیر مؤثر، و ۲۸ برنامه امیدوار کننده و اطمینان بخش هستند. انواع برنامه های باقی مانده نیز تأثیرشان ناشناخته است. و این عمدتاً به این دلیل بوده که در ارزیابی، ضعیف و فقیر بوده اند. برای

مطالعه ی جزئیات بیشتر به کتاب پیشگیری از جرم مبتنی بر مدارک و دلایل مراجعه نمایید(شرمن و دیگران ۲۰۰۲).

### چه برنامه هایی مؤثر هستند؟

شش محیط از هفت محیط اجرای برنامه (به استثنای اجتماعات)، حداقل یک نوع برنامه با دلایل و مدارک دال بر تأثیر ثابت شده در پیشگیری از جرم دارند. محیط هایی که بیشترین تعداد برنامه های مؤثر را دارند، دادگاه ها و مراکز اصلاح و تربیت با ۹ برنامه ی مؤثر پیشگیری بودند. برای بازارهای کار و منازل تنها دو نوع برنامه در پیشگیری از جرم مؤثر بودند؛ به ترتیب آموزش شغلی برای مجرمین مرد که مدت زیادی تحت نظارت دستگاه عدالت کیفری نبودند و برنامه های ویژه ی تربیتی و آموزش مربوط به خانواده ها برای جوانانی که دارای حالت خطرناک بودند و نیز کاهش مزاحمت و روشنایی پیشرفته ی خیابان ها و مکان های عمومی باز.

چهار برنامه پیشگیری مربوط به خانواده - که مؤثر شناخته شده بود- به یکی از مراحل زندگی محدود نبوده؛ بلکه از اوایل کودکی ( خدمات دیدار از خانه برای تازه متولدین و کودکان نوپا و مادران و آموزش والدین برای مراقبت روزانه و پیش از مدرسه کودکان) تا اواسط کودکی (آموزش مدرسه ی علاوه بر آموزش والدین) و تا اواخر نوجوانی، برنامه ی درمانی ادامه می یافت. در محیط مدارس نیز تأثیر بخشی برنامه در مورد جرم و سه رفتار مشکل زای مربوط، ارزیابی شده است:

مصرف الکل یا مواد اعتیادآور غیر قانونی دیگر (AOD) رفتار ضد اجتماعی (ASB) ترک تحصیل یا فرار از مدرسه (DO/T). از هفت برنامه پیشگیری مختص مدارس که در پیشگیری از یک یا بیشتر این چهار رفتار مشکل زا مؤثر بودند، سه برنامه در پیشگیری از جرم مؤثر بود که عبارتند از:

۱- مدرسه و مدیریت نظم و انضباط (علاوه بر ASB و AOD)؛

۲- مداخله برای ایجاد هنجارها و انتظارات رفتاری (علاوه بر ASB و AOD)؛

۳- خودکنترلی یا آموزش قابلیت اجتماعی با استفاده از روش های آموزش رفتاری- معرفتی (علاوه

بر AOD و ASB و DO/T).

دیگر برنامه های مؤثر پیشگیری از طریق مدرسه عبارتند از : کنترل آموزشی یا کلاس (AOD) و (DO/T)، سازمان دهی مجدد پایه های تحصیلی یا مدارس (ASB و DO/T)، رفتار شناختی، اصلاح مدل رفتاری یا اصلاح رفتار (ASB و DO/T) و رایزنی (ASB و DO/T).

پنج تدبیر به عمل آمده توسط پلیس، در پیشگیری از جرم مؤثر بودند:

۱- افزایش گشت های منظم در نقاط کور خیابان های جرم خیز؛

۲- بازداشت مجرمین حرفه ی و خطرناک؛

۳- بازداشت رانندگان مست؛

۴- بازداشت مظنونین شاغل به اتهام ارتکاب تهدید و حمله نسبت به اعضای خانواده؛

۵- خط مشی حل مشکلات.

از نه برنامه ی که مؤثر بودن آن در محیط دادگاه و مراکز اصلاح و تربیت محرز شده بود، همگی مبتنی بر اصلاح و درمان بودند. هفت نوع از این برنامه های اصلاحی، مبتنی بر نهادها و مؤسسات بودند:

۱- اصلاح و درمان هماهنگ با خصوصیات ویژه ی مشکلات خاص مجرمین و تربیت و درمان فشرده و سریع؛

۲- رفتار درمانی اجتماعی مجرمینی که درگیر مواد اعتیادآور غیر قانونی هستند؛

۳- جامعه درمانی، متعاقب آموزش جامعه؛

۴- درمان از طریق شناخت رفتاری؛

۵- آموزش شغلی برای مجرمین بزرگسال و اطفال بزهکار؛

۶- برنامه های اصلاحی مربوط به صنعت چند بخشی؛

۷- ناتوان سازی مجرمینی که به ارتکاب جرم درحد و میزان بالا ادامه می دهند.

دو برنامه ی مؤثر باقی مانده، در جامعه اجرا می شود:

درمان مجرمین جنسی و استخدام و اشتغال زایی در جامعه.

## چه برنامه هایی مؤثر نیستند؟

مشخص گردید که ۲۵ نوع برنامه در پیشگیری از جرم، با رفتارهای مشکل زای مربوط به آن ها، در هفت محیط سازمانی مذکور مؤثر واقع نشده اند؛ به استثنای منازل، هر یک از محیط های مذکور حداقل یک نوع برنامه دارند که در پیشگیری از جرم بی تأثیر است.

بالاترین تعداد برنامه های بی تأثیر در دادگاه ها و مراکز اصلاح و تربیت با نه برنامه بوده است؛ پلیس با ۶ برنامه، مدارس با ۵ برنامه و بازارهای کار با ۳ برنامه. در هر یک از محیط های خانواده و اجتماعات یک نوع برنامه بی تأثیر بوده است که به ترتیب عبارتند از: آموزش نحوه ی تربیت خانوادگی و اجتماعی به والدین و برنامه های مبتنی بر باز خرید سلاح های گرم. از ۵ نوع برنامه مدرسه محور، فقط یک نوع برنامه در پیشگیری از جرم بی تأثیر بوده است و آن برنامه های آموزشی بوده که بر قابلیت اجتماعی متمرکز نبوده است و یا از روش های تعلیم رفتاری - معرفتی استفاده نمی کرده است (علاوه بر DO/T).

هم چنین چهار برنامه دیگر، در پیشگیری از یک یا بیشتر رفتارهای مشکل زای مربوط ناموفق بوده اند که عبارتند از:

۱- خودکنترلی یا آموزش قابلیت اجتماعی با استفاده از روش های آموزش رفتاری یا روش های رفتاری - معرفتی (DO/T, ASB)؛

۲- مشاوره، فعالیت اجتماعی و دیگر مداخلات درمانی (DO/T و ASB)؛

۳- رایزنی، تدریس خصوصی و مطالعه کاری (AOD)؛

۴- سرگرمی، خدمات عمومی، غنی سازی اوقات فراغت و فعالیت های تفریحی (AOD).

سه نوع برنامه در مورد بازار کار بی تأثیر بودن بودنشان ثابت شده که کاملاً با هم متفاوت بوده اند؛ این برنامه ها عبارتند از:

۱- شغل تابستانی و برنامه های کار دارای پارانه داده شده، برای جوانان در معرض خطر؛

۲- برنامه آموزشی غیر اقامتی کوتاه مدت برای جوانان در معرض خطر؛

۳- قضا‌زدایی و آموزش شغلی برای مجرمین بزرگسال به عنوان شرط مختومه نمودن دعوا. هم چنین محرز گردید که شش نوع برنامه در دستگاه پلیس، در پیشگیری از جرم بی تأثیر بوده اند:

- ۱- پیشگیری از نگاه کردن به بلوک همسایه؛
  - ۲- بازداشت تعدادی نوجوان به اتهام ارتکاب جرایم کوچک؛
  - ۳- بازداشت مظنونین بی کار به لحاظ تهدیدها و حمله های خانگی؛
  - ۴- بازداشت های مربوط به مواد اعتیادآور غیر قانونی؛
  - ۵- ایجاد نظم در جامعه بدون تمرکز بر عامل خطر جرم؛
  - ۶- اضافه نمودن به افراد پلیس در شهرها، بدون توجه به امور محوله یا نوع فعالیت؛ در مجموعه ی دادگاه ها و مراکز اصلاح و تربیت، ۹ برنامه بی تأثیر عبارتند از:
    - ۱- مداخلات بازدارندگی خاص؛
    - ۲- برنامه های مربوط به اصلاح و درمان که به طور غیر مستقیم مورد استفاده قرار می گیرند و مشاوره ی غیر زیر بنایی و سطحی؛
    - ۳- آزادی مشروط با نظارت شدید؛
    - ۴- محدودیت در محل سکونت؛
    - ۵- برنامه های مربوط به محل سکونت و اجتماع؛
    - ۶- آزمایش ادرار؛
    - ۷- افزایش رایزنی نظارت و مدیریت در جامعه؛
    - ۸- اردوهای مفید اصلاحی با استفاده از مدل نظامی و با روش قدیمی؛
    - ۹- برنامه های مربوط به انزوای کودکان و نوجوانان.
- چه برنامه هایی امیدوار کننده هستند؟

مجموعه ی از ۲۸ برنامه، به عنوان این که در پیشگیری از جرم یا رفتارهای مشکل زا امیدوار کننده هستند، مشخص شده بود. این برنامه ها به اندازه ی کافی امیدوار کننده بوده؛ لذا سزاوار ارزیابی بیشتر بودند. در هر یک از محیط های یاد شده، حداقل یک نوع برنامه ی امیدوار کننده وجود داشت. در محیط خانواده تنها یک برنامه امیدوار کننده وجود داشت، و آن تربیت کودک براساس روش کلینیکی، علاوه بر تربیت توسط والدین بود. هر یک از محیط های مدارس، جوامع و بازارهای کار کمترین تعداد برنامه های امیدوار کننده را داشتند. در جایی که اماکن، دادگاه ها و مراکز اصلاح و تربیت بیشترین تعداد برنامه های امیدوار کننده را (هر یک ۷ برنامه) دارا بودند. دو نوع از چهار برنامه ی امیدوار کننده پلیس، مربوط به کنترل جامعه توسط پلیس بوده که عبارتند از کنترل جامعه با شرکت آن (جامعه) در تعیین اولویت ها برای پلیس و کنترل جامعه با تأکید بر پیشرفت مشروعیت پلیس. دو نوع برنامه دیگر، گشت های مربوط به اجرای نحوه ی ایاب و ذهاب به منظور مقابله با حمل اسلحه غیر مجاز و قرار بازداشت مظنونین غایب، وقتی که پلیس به خشونت خانگی پاسخ می دهد، بوده اند. از هفت نوع برنامه امیدوار کننده مربوط به دادگاه ها و مراکز اصلاح و تربیت، دو برنامه مبتنی بر عملکرد دادگاه بود که عبارتند از:

برنامه های مربوط به جزای نقدی و مواد اعتیادآور غیر قانونی که در این برنامه ها، دادگاه ها کنترل های اصلاحی، درمانی و عدالت کیفری را با هم ترکیب می کنند.

هدف سه برنامه از ۵ برنامه امیدوار کننده مربوط به مراکز اصلاح و تربیت، بازگرداندن مجرمین به جامعه بوده است (در مورد کودکان و نوجوانان بعد از مراقبت، درمان اعتیاد به مواد اعتیادآور غیر قانونی همراه با آزمایش ادرار و برنامه های انتقالی که آمادگی شغلی و خدمات فردی برای مجرمین خطرناک فراهم می آورد، اجرا می شود) و دو نوع برنامه دیگر، هدفشان آماده سازی مجرمین برای بازگشت نهایی به جامعه بوده است که عبارتند از درمان مبتنی بر زندان مجرمین جنسی و آموزش اساسی بزرگسالان.

از سه نوع برنامه در بازار کار، یک برنامه در پیشگیری از جرم امیدوار کننده بوده است (برنامه های آموزش شغل و حرفه در زندان، برای بزرگسالان) در حالی که دونوع برنامه دیگر که درپیشگیری از عوامل خطرزای جرم، مانند ترک تحصیل از دبیرستان یا بی کاری امیدوار کننده بوده اند عبارتند از متفرق کردن ساکنین محل های متراکم داخل شهر به حومه شهر، و اسکان عمومی و مورد توجه قرار دادن محل هایی که به شدت دچار بیکاری هستند، با ایجاد انگیزه از طریق شکستن مالیات. دو نوع از سه برنامه امیدوار کننده ی مدرسه محور نیز، پیشگیری از جرم را مدّ نظر داشته اند که عبارتند از:

کلاس درس مدیریت آموزشی و سازماندهی مجدد درجات تحصیلی (علاوه بر AOD). سومین برنامه امیدوار کننده عبارت بود از تفریح فراهم شده به وسیله خدمات عمومی، غنی سازی و فعالیت های مربوط به اوقات فراغت در مورد مشکلات مربوط به ترک تحصیل که اجرا و مورد هدف قرار گرفت. نتایج جرم، حاکی از تمرکز و انحصار، هم بر برنامه های جامعه محور و هم بر برنامه های مکان محور بوده است.

سه نوع برنامه امیدوار کننده مربوط به اجتماع یعنی مداخله گروهی، رایزنی و تفریحات پس از مدرسه درباره ی انواع جرایم، اجرا شده است؛ در حالی که هفت برنامه امیدوار کننده مکان محور ذیل مختص به جرایم خاصی بوده اند:

- ۱- تعدد منشی های فروشگاه هایی که تا به حال مورد سرقت واقع شده اند؛
- ۲- آموزش و مدیریت پیشرفته کارکنان بار (جرایم مربوط به مستی)؛
- ۳- بازرسی های فلزی در فرودگاه ها (به منظور پیشگیری از هواپیما ربایی)؛
- ۴- محافظین یا مارشال ها در هواپیماها (به منظور پیشگیری از هواپیما ربایی)؛
- ۵- نظارت بر نقاط کور خیابان ها ( با هدف پیشگیری از ارتکاب جرایم مختلف)؛
- ۶- تقویت آماج جرم (با هدف پیشگیری از ارتکاب جرایم سرقت و ویرانگری (وندلیسم))؛
- ۷- طراحی مجدد فروشگاه ها (به منظور پیشگیری از ارتکاب جرم سرقت از فروشگاه ها).

## نتایج بحث و پیشنهادات سیاست جنایی

نتایج حاصله نشان می دهد که اطلاعات ما درباره ی اصول پیشگیری از جرم، در حد متوسطی می باشد. متأسفانه تأثیر بسیاری از برنامه های دیگر ناشناخته است. نتایج به دست آمده، سه خط مشی کلی را پیشنهاد می نماید:

نخست) دولت ها و صنعت - در مورد برنامه هایی که توسط بخش خصوصی مورد سرمایه گذاری قرار گرفته اند- به افزایش منابع اختصاص یافته به برنامه هایی که تأثیرشان در پیشگیری از جرم ثابت شده است، نیاز دارند.

شش نوع از هفت محیط یاد شده (به جز جامعه)، حداقل دارای یک نوع برنامه بوده که تأثیر آن در پیشگیری از جرم با دلیل و مدرک ثابت شده است. علت کم بودن تعداد این برنامه ها (برنامه های مؤثر) اثرات فعل و انفعالی بالقوه ی ناشی از اجرای برنامه های مؤثر، در محیط های مختلف در یک زمان بوده است. محرز شده که از به کارگیری برنامه های مؤثر در چندین محیط در آن واحد، حصول منافع بسیاری می تواند مورد نظر باشد.

دوم) دولت لازم است اجرای برنامه هایی را که بی تأثیر بودنشان در پیشگیری از جرم ثابت شده، متوقف کند. این برنامه ها، در کاهش جرم و نرخ بزهکاری هیچ تأثیری نداشته و نتایج زیانباری را نیز به دنبال دارد. اقدام برای توقف برنامه هایی که اثرات زیان بار در پی دارد، باید در اولویت قرار گیرد.

نیاز به اقدام فوری در توقف سرمایه گذاری برای آن دسته از برنامه های پیشگیری از جرم که دلایل و مدارک بی اثر بودن آن ها را ثابت کرده، با این احتمال که پرداخت کنندگان مالیات از هدر رفتن مالیات های پرداخت شده ناراحت شوند، تقویت می گردد.

سوم) دولت ها، باید آزمایش های بیشتری در مورد برنامه هایی که دلایل و مدارک دال بر مؤثر بودن آن ها در پیشگیری از جرم هستند، به عمل آورند؛ برخی از این برنامه ها ممکن است به طرق متعدد نسل بعدی برنامه ها و خط مشی های مؤثر در پیشگیری از جرم را مشخص نمایند.

همان گونه که ذیلاً بحث خواهیم کرد، صرفاً دقیقترین تحقیقات باید در ارزیابی تأثیر این برنامه ها بر جرم و بزهکاری به کار برده شوند؛ یعنی طرح های آزمایشی و شبه آزمایشی (کوک و کمبل، ۱۹۷۹، شادیش ات آل ۲۰۰۲).

واضح است که کلیه ی سازمان های عمومی در یک علاقه ی مشترک سهیم هستند و آن استفاده از متقاعد کننده ترین شواهد و دلایل علمی، در توسعه ی سیاست و رویه عمومی می باشد.

البته این حقیقت کاملاً روشن است که داشتن شواهد و دلایل علمی متقاعد کننده ی تحقیقاتی و تأثیر آن بر سیاست (جنایی) و عمل، دو موضوع کاملاً متفاوت است.

بر اساس گفته جیمز کیوو، ویلسون (۲۰۰۲، ص ۵۵۴): «شهرها و ایالات نوعاً درباره این که برنامه های پیشگیری از جرم چه تأثیری دارند، تحقیق نمی کنند؛ بلکه فقط درباره این که چه برنامه ای عامه پسند است، تحقیق می نمایند.»

در بحث های جرم شناسی و عدالت کیفری، در خصوص اجرای برنامه های جدید پیشگیری از جرم، گسترش برنامه های موجود یا به پایان رساندن برنامه های زیان بار و بی تأثیر، ملاحظات سیاسی و ملاحظات مربوط به سیاست جنایی، مؤثر و غالب هستند. در واقع، قدرت شواهد و مدارک برنامه ها بر اساس توسعه سیاست جنایی، نسبت به ملاحظات سیاستی روز در رده ی دوم قرار دارد. برخی از این ملاحظات سیاسی، مهم هستند. اولویت های دیگر دولت مانند مصارف دفاع نظامی، حفاظت از محیط زیست و هزینه ی پایین نسخه ی داروهای تجویزی برای افراد سالخورده، برای منابع کمیاب عمومی رقابت آمیز هستند.

نظرخواهی ملی، ممکن است نشان دهد که مردم بیشتر علاقمند به موضوعات سیاسی عمومی دیگر هستند تا موضوع پیشگیری از جرم یا امنیت اجتماعی. ملاحظات سیاسی دخیل در برنامه های پیشگیری از جرم هم شامل استنباط به عمل آمده توسط سیاست مدارانی مبد باشد که از طریق حمایت از تلاش های خارج از حیطه ی عدالت کیفری در زمینه پیشگیری از جرم، با پدیده ی مجرمانه با انعطاف برخورد می نمایند و هم دیدگاه های کوتاه مدت سیاست مدارانی (تونری و

فارینگتون، ۱۹۹۵) را در بر می گیرد که برنامه هایی ارائه می کنند که نتایج را فقط در طولانی مدت نشان می دهد و این امر برای سیاست مدارانی که در تلاشند هر چند سال یک بار انتخاب گردند، جالب به نظر نمی رسد.

ملاحظات سیاسی می تواند طیف وسیعی از استنباطات را، از اثر مایوس کننده ی مدارک قوی مردود مربوط به تأثیر یک برنامه گرفته، تا اثر مصیبت بار مدارک قوی نادیده ی گرفته شده مربوط به نتایج زیان بار یک برنامه، در برداشته باشد.

نمونه هایی از این اثرات، در جرم شناسی و عدالت کیفری بسیار معمول است. نمونه ی دیگر موانع سیاسی نسبت به پیشگیری از جرم مبتنی بر دلایل و مدارک، این است که مدارک تحقیق ممکن نیست در کشوری استفاده شود که در آن ایجاد شده است. این موضوع مربوط به گزارش شرمین و همکارانش (۱۹۹۷) برای کنگره ایالات متحده بود.

علی رغم وجود این گزارش، که موضوع چهار جلسه کنگره بود، از نویسندگان سراسر ایالات متحده (علاوه بر دعوت از طریق بین المللی)، در موقعیت های متعدد به منظور توجیه سیاستگذاران و دیگر مدیران عدالت کیفری، دعوت به عمل آمد.

مهم ترین اثر گزارش در بریتانیای کبیر آشکار و معلوم شده است، جایی که به طور عمده بر گزارش وزارت کشور در کاهش بزهکاری تأثیرگذار بود. این امر تا ۲۵۰ میلیون پوند (تقریباً ۳۷۵ میلیون دلار) هزینه در برداشت.

برنامه کاهش جرم سه ساله وزارت کشور در آوریل ۱۹۹۹ آغاز شد؛ چگونگی غلبه بر موانع سیاسی وارد نمودن برنامه های مؤثر در پیشگیری از جرم، در سیاست جنایی، و رویه عملی، به هیچ وجه کار آسانی نیست.

اما خوشبختانه این مسأله توجیهاتی را از سوی عدالت کیفری، مدیریت عمومی، بهداشت عمومی و دانش ارزیابی، دریافت کرده است. به عنوان مثال می توان از تعدادی از مفاهیم آکادمیکی که این موضوع مهم را مورد بررسی قرار داده اند، نام برد.

برای جرم شناسی و عدالت کیفری، آغاز همکاری "کمبل" در سال ۲۰۰۰ که سازمند کردن، تامین و ترویج تحقیقاتی مبتنی بر دلایل و مدارک در زمینه جرم و عدالت کیفری (علاوه بر زمینه آموزش و رفاه اجتماعی) را باب نموده، به این معنا بوده است که توجه بیشتری به تحقیقات مبتنی بر دلایل و مدارک، و نیز اهمیت تبدیل تحقیقات درست و منطقی به سیاست جنایی و رویه عملی مربوط، مبدول شده است.

تلاش ها برای کار دقیق تر و زیر بنایی تر، با همکاری سیاست گذاران، متخصصین مربوطه و سیاست مداران، باید در پیشگیری از جرم پیشرفته مبتنی بر دلایل و مدارک، مهم ترین اولویت باشد. این تلاش ها به همان اندازه که مهم هستند، به تقویت از طریق برنامه تحقیق در خصوص آزمایش ها و شبه آزمایش های جدید پیشگیری از جرم نیاز دارند. اقدام بر روی یافته هایی که در بالا به اختصار درباره ی آن ها سخن رفت، از طریق افزایش استفاده از برنامه هایی که تأثیر آن ها در پیشگیری از جرم ثابت شده، و آزمایش بیشتر درباره ی برنامه هایی که دارای دلایل و مدارک امیدوار کننده راجع به تأثیر در پیشگیری از جرم هستند، مهم می باشد. این آزمایش ها و شبه آزمایش های جدید پیشگیری از جرم، باید دارای نمونه های زیاد، دوره های طولانی و نتیجه دهی و مصاحبه های راجع به نتیجه باشند.

نتایجی که در طولانی مدت به دست می آیند، از این حیث که تأثیرات برنامه تا چه مدت بعد از خاتمه مداخله، باقی می مانند، نیازمند ارزیابی هستند. چنین نتایجی در مداخلات جرم شناسی نادرست و می بایست در اولویت سرمایه گذاری آژانس ها قرار گیرد.

شناسایی عناصر فعال برنامه های موفق (امیدوار کننده) پیشگیری از جرم، در تحقیقات لازم است. بسیاری از برنامه ها چند روشی هستند؛ در این برنامه ها تفکیک اثرات مستقل مؤلفه های مختلف مشکل است. در آزمایش های آینده باید تلاش شود که اثرات عناصر مختلف اکثر برنامه های موفق، معلوم گردد. هم چنین مهم است که برنامه هایی را به عنوان قسمتی از طرح اصلی

تحقیق اقتصادی - تحلیلی مبتنی بر سود دهی یا مؤثر بودن، شامل گردد تا اجازه ی ارزیابی مبتنی بر بازدهی و کارایی اقتصادی برنامه را بدهد.

بسیار خرسندیم که به نتایج خوشبینانه ای رسیدیم که؛ میزان زیادی از این نتایج شناخته شده، برنامه های پیشگیری از جرم است. جوامع باید در سطح گسترده ای در مورد برنامه های چند روشی، شامل عناصری مانند دیدارهای خانگی زنان باردار، آموزش والدین، آموزش مهارت های مربوط به کودکان مدرسه و مدیریت نظم، آموزش شغلی برای مجرمین حرفه ای، روشنایی بهتر خیابان ها، گشت پلیس در محل های آماج جرم یا نقاط جرم خیز، بازداشت مجرمین خطرناک تکرار کننده ی جرم و درمان رفتاری - معرفتی در مؤسسات، سرمایه گذاری نمایند. زمان، مساعد است تا قدری از ثروت کشور را که صرف هزینه های مربوط به حبس مجرمین می شود، به اجرای برنامه های مؤثر پیشگیری از جرم اختصاص دهیم.

## قدردانی

لازم است از مؤسسه ی جری لی که منبع الهام آغازین این پروژه را فراهم نمود؛ پروژه ای که می تواند یکی از مهمترین خدمات آن موسسه باشد، تقدیر نماییم.

## چکیده

این تحقیق یافته های اصلی درمورد برنامه های مؤثر، غیر مؤثر و امیدوارکننده در پیشگیری از جرم را به اختصار بیان می نمایند و پیشنهادات راجع به سیاست عمومی را مورد بحث قرار می دهد. یافته ها بر اساس کتاب «پیشگیری از جرم مبتنی بر دلایل و مدارک»، چاپ سال ۲۰۰۲ می باشد. هدف کتاب، روز آمد کردن و تجدیدنظر اساسی در گزارش سال ۱۹۹۷، «یعنی پیشگیری از جرم، برنامه هایی که مؤثر هستند» برنامه هایی که مؤثر نیستند، برنامه هایی که امیدوارکننده هستند، نوشته لورنس شرمین و همکارانش در دانشگاه مری لند می باشد. تحلیلی از ارزیابی تقریباً ۷۰۰ برنامه ا پیشگیری از جرم نشان داد که در پیشگیری از جرم، ۲۹ نوع برنامه مؤثر ۲۸ نوع امیدوار کننده بوده اند.

این نتایج نشان می دهد که ما درباره ی این که چگونه از وقوع جرم پیشگیری کنیم، در حد متوسطی آگاهی داریم.

هم چنین این نتایج، سه خط مشی ومیدان عمل گسترده را پیشنهاد می نماید:

۱- افزایش منابع اختصاص یافته به برنامه هایی که مؤثر بودن آن ها در پیشگیری از جرم به اثبات رسیده است؛

۲- توقف سرمایه گذاری بر روی برنامه هایی که، بی تأثیری آن ها در پیشگیری از جرم با دلایل و مدارک ثابت شده است؛

۳- انجام آزمایش های بیشتر در مورد برنامه هایی که، در پیشگیری از جرم امیدوار کننده هستند.

**پی نوشت ها:**

(۱) نوشته: (۱۳Th word G:Picca Reducing crime: new challenges?)

In International Annals of criminology congress: rio de : rio yaneiro, ۲۰۰۳, pp۷-۱۰. Vol.۴۰-۱/۲, ۲۰۰۲, pp۷-۱۰.

ترجمه توران توسلی زاده قاضی دادگستری کرمانشاه و دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه تهران و قباد کاظمی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ودانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی .

(۲) دبیرکل جامعه بین المللی جرم شناسی.

(۳) نوشته براندن سی. ولش (گروه عدالت کیفری، دانشگاه ماساچوست لاول) دیوید پی. فارینگتن (مؤسسه جرم شناسی دانشگاه کمبریج) لورنس دبلیو شرممن (مرکز جری لی جرم شناسی دانشگاه پنسیلوانیا) ودوریس لایتن مکنزی (گروه جرم شناسی و عدالت کیفری دانشگاه مری لند) در کتاب

international Annals of criminology vol.۴۰ ۱/۲, ۲۰۰۲pp.۱۱-۳۱

ترجمه قباد کاظمی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی و توران توسلی زاده قاضی دادگستری کرمانشاه و دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه تهران.